

ترجمه از مجله باستان‌شناسی اسلامی
جلد ۲۴ شماره ۳ ژوئن ۱۹۷۱ ، لندن

خانه‌های سیراف

در قرون نهم و دهم
میلادی (قرن ۳ و ۴ هجری)
شهر سیراف واقع در کرانه
شرقی خلیج فارس بندر و
ناحیه تجارسی مهمی در
مسیر شبکه بازرگانی دریائی
بشمار می‌آمد که کالاهای
تجارتی از هند، چین و آسیای
جنوب شرقی از آنجا به
مقصد بازارهای خاورمیانه
فرستاده میشد . در سال
۱۹۶۶ (۱۳۴۵ خورشیدی)
مؤسسه انگلیسی مطالعات
ایرانی با مشارکت اداره
باستان‌شناسی و همراه با
پشتیبانی و کمک‌های ارزنده‌ای
از طرف موزه بریتانیا ،
فرهنگستان بریتانیا، بنیاد

نگارش :

دکتر داوید وایت‌هاوس

ترجمه

حسین بختیاری

گلبنگیان موزه پادشاهی اونتاریو و چند مؤسسه دیگر کاوشهای سیراف را آغاز نمود و در ماه نوامبر ۱۹۷۰ (آبان ۱۳۴۹) پنجمین موسم کاوشهای آنجا صورت پذیرفت .

سیراف در منطقه‌ای خشک و لم‌یزرع در کرانه ایران درکنار خلیج فارس قرار دارد . کوههای زاگرس بصورت رشته‌هائی موازی با شیب تند و ارتشاع بیش از ۱۳۵۰ متر در ورای جلگه‌ای باریک در مسافتی کمتر از ۱۰ کیلومتر از ساحل دریا واقع شده است در محل نامبرده آب سطح‌الارض کمیاب بوده و میزان گرما در تابستان از ۴۵ درجه سانتیگراد (= ۱۱۳ فارانهایت) بالاتر می‌رود . میوه و سبزی اندک است ، مصرف عمده گوشت مردم از ماهی و جوجه فراهم میشود و پیش از فراهم آمدن اتومبیل تنها وسیله مسافرت شتر یا الاغ بود . با وجود این ساحل مزبور دارای دهات متعددی است که یکی از آنها بنام «طاهری» در منطقه سیراف قرار دارد . نزدیکترین شهر به سیراف بندر بوشهر است که در ۲۴۰ کیلومتری شمال غربی آنجا واقع گشته و همچنین نزدیکترین شهر بزرگ یعنی شیراز به همین فاصله در شمال آن است .

اختلاف فاحش بین این شهر تجارتي و محیط نامساعد آن باعث توجه جغرافیون قرون وسطی گردید . مثلاً استخری‌کمی پیش از سال ۹۵۰ میلادی (۳۳۹ هجری) در خصوص کالاهائی که از سیراف صادر میشده است در نوشته‌هایش ارقام هیجان‌آوری را ذکر میکند این کالاها عبارت بود از مروارید ، امبرگریس ،^۱ سنگهای قیمتی ، عاج و ادویه ، راجع به خانه‌های بیشمار شهر نیز

۱- راجع به معنی این واژه از آقای دکتر وایت‌هاوس استفسار نمودم نامبرده اظهار داشت :

امبرگریس ماده معطری است که از یکنوع جانور دریائی بنام وال تهیه میکردند، وال جانوری است مشابه نهنگ، شکار وال تا ۳۵۰ سال پیش در خلیج فارس رایج و جزو مشاغل عمده بوده، از گوشت، روغن و ماده معطر آن استفاده میکردند. لیکن بعلت زیاد روی بی‌قاعده در شکار آن نسل وال در خلیج فارس منقرض گردید (مترجم)

استخری مطالبی ذکر کرده است ، از طرفی وی گوید : «منطقه سیراف آب کافی ندارد و فاقد مزرعه و باغ است ، سبزیجات از نواحی کوهستانی هوم آورده میشد ، که مقصود از این نام همان جلگه جم است که امروزه نیز نیازمندیهای بندر طاهری را از نقطه نظر خرما و لیمو برآورده میکند .

قدیمی ترین نوشته های مورخین که از سیراف ذکری در آنها رفته است به اواسط قرن نهم میلادی (نیمه اول قرن سوم هجری) یعنی درست هنگامیکه شهر مزبور هنوز بندر بزرگی بشمار میرفت مربوط میشود ، کاوشهایی هم که در آنجا صورت گرفته است نشان میدهد که در قرن هشتم میلادی (قرن دوم هجری) مردمان زیادی در این منطقه میزیسته اند . بنا بر روایت بقدرسی ، جهانگرد عرب قرن دهم (قرن چهارم هجری) نویسنده کتاب «احسن التماسیم فی معرفته الاقالیم» شهر سیراف تا اواخر قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) در حد اعلاء شهرت بود تا اینکه یک سلسله پیش آمدهای غیر مترقبه باعث زوال نافرجام آن گردید: وقوع زلزله ای در سال ۹۷۷ (۳۶۷ هـ) ، ترقی و پیشرفت بازرگانی کیش در حدود سال ۱۰۱۰ (۴۰۱ هـ) بندری که رقیب سیراف بشمار میرفت و سقوط سلسله آل بویه در سال ۱۰۵۵ (۴۴۷ هـ) سلسله ای که بغداد را در ۹۴۵ (۳۳۴ هـ) فتح کرده بود ، تمام این حوادث موجب اضمحلال و سقوط کلی سیراف گردید . نویسندگان بعدی سیراف را بعنوان شهرکی کم اهمیت با جامعه ای فقیر که در میان ویرانه های شهر قبلی میزیسته اند وصف میکنند .

آثار سیراف بین دریا و نخستین کوه هایی که شیب تند دارد قرار گرفته و به مسافت ۲۵ کیلومتر در طول ساحل امتداد دارد پیش از کاوشهای آنجا منطقه سیراف بصورت یک سری خاکریزها و سنگهای درهم و پراکنده مینمود که فقط دو بنا یعنی یک مسجد

و يك بقعه دیده میشود . با وجود این بررسی دقیق از آثاری که از لابلای سنگها بیرون آمده است يك طرح و نقشه جسته گریخته از شهری پرجمعیت را آشکار گردانید که در آن ساختمانها اغلب بیکدیگر متصل و تمام محله ها دارای شبکه‌ای از خیابانها و کوچه‌ها بود .

تاکنون در ۹ منطقه کاوش کرده‌ایم (طرح شماره ۱) با الحاق آثار بررسی شده و حفاریات حاصله مطالب بیشتری در خصوص نقشه شهر سیراف در اختیار داریم بزرگترین بناء عمومی مسجد کبیر میباشد که کنار دریا حوالی مرکز شهر قرار دارد . در شمال مسجد محوطه وسیعی قرار دارد که احتمالاً نشانی از میدان مرکزی شهر میباشد در محوطه مزبور خرده‌سنگهایی پراکنده و فقط يك اثر مهم در آن بچشم میخورد که شاید آب انبار باشد در امتداد شرقی مسجد و بناهای مشرف به ساحل که مساحت آن به حدود ۵۰۰ متر مربع میرسد بازار و تعدادی گذرهای پر پیچ و خم ، انبارها و دکانها قرار دارد . ناحیه مسکونی اصلی در زمین مرتفعی مقابل بازار واقع گشته که مرتفع‌تر از بقیه نقاط بوده و تصور میرود که کاخ فرماندار باشد منطقه مسکونی دیگر در غرب مسجد واقع است ، مجاور آن محله‌های کوزه‌گران و دیوار شهر قرار دارد رشته کوههای مشرف به سیراف مشتمل بر گورستانهای صخره‌ای بسیار دیدنی و آثار دو قنات یساآبرو است که آب را از نقاط دور بداخل شهر می‌آورده است تا بدین وسیله مسئله کم‌آبی مرتفع گردد .

کاوش منطقه F ، ناحیه خانه‌های مسکونی غرب مسجد در سال ۱۹۶۷ (۶-۱۳۴۵ خورشیدی) در همان هنگام که خانه W را حفاری کردیم آغاز شد - در موسم کاوش بعدی بناهای مجاور آن یعنی خانه های N و E و R و S و بخشی از پنجمین خانه یعنی خانه Y را مورد کاوش قرار دادیم . در سال ۱۹۶۹ (۸-۱۳۴۷ خورشیدی)

کار خود را با حفاری زیر کف ها و سطوح خیابانها جهت تحقیق حدود منطقه مزبور تکمیل کردیم (تصویر شماره ۱) .

منطقه مورد بحث بسان بخشی از يك محله باشکوه قرون ۹ و ۱۰ میلادی (قرنهای ۳ و ۴ هجری) با شبکه ای از کوچه ها و يك خیابان اصلی بعرض ۴ متر که از شرق به غرب امتداد دارندمیان شده و پهنای کوچه ها در حدود ۱٫۵ متر است . که به فاصله های منظم از خیابان اصلی منشعب شده و هر خانه را از خانه مجاور جدا میکند . هیچیک از خیابانها سنك فرش نبوده کف آنها عموماً خاک یاشن است . (طرح شماره ۲) .

چنین احساس میشود که محله مزبور از روی طرح اساسی ساخته شده و اعیان نشین بوده است چه خانه ها را بصورتی استوار و پایدار ساخته و در بنای آنها سنك و گچ بکار برده اند شالوده دیوارهای بیرون بنا از سنگهای تراش و ملاط ساروج ترتیب یافته است ، ساروج ملاط سختی است که از خاک و آهک و خاکستر تمپیه میشد بر اثر احداث پشت بندها در فواصل ۲٫۵ تا ۳ متری دیوارهای ابنیه برای تحمل و نگهداری اشکوبهای متعدد به اندازه کافی استقامت داشته است و همانطور که استخری باین امر اشاره میکند خانه های سیراف را میتوان با ساختمانهای چند اشکوبه مشهور فسطاط مصر مقایسه نمود . هرچند هر خانه با خانه دیگر تفاوتی دارد لیکن همه آنها شامل عوامل اصلی مشابه ای بدین شرح است .

حیاطی دارای يك در ورودی یا بیشتر و اطاقهایی در جوانب حیاط که هر يك از اطاقها دری به حیاط دارد . حیاطها ومدخلها سنگفرش بوده ، اطاق ها نیز دارای کف گچی یا سنگی است . هرچند فقط يك قطعه گچبری از تزئینات گچی خانه ها در محل خود وجود دارد ولی پرواضح است که همگی پنج خانه این محل به تزئینات گچبری آراسته بوده است .

بازوال سیراف محله مورد بحث نیز راه انحطاط را پیمود. کوچه‌ها بعلت ریختن زباله مسدود شد. از اواسط قرن یازدهم (قرن پنجم هجری) خانه‌های N و R و W نه تنها متروک ماند بلکه ویرانی بدان راه یافت و فرو ریخت و از خرده‌سنگ و پاره‌آجر انباشته شد در ابتدای قرن دوازدهم میلادی (اواخر قرن ۵ هجری) هنگامیکه ابن بلخی از ویرانه‌های سیراف سخن میگوید محله مورد بحث احتمالا خالی از سکنه بود.

پنج خانه سابق الذکر را میتوان بطور خلاصه بشرح زیر توصیف نمود:

خانه N

بصورت تقریبا مربع و بابعاد 17×16 متر است. نقشه آن تقریبا بصورت ۹ اطاق قرینه در طبقه هم‌کف میباشد توسط مدخلی از خیابان اصلی به حیاطی وارد میشوند که هاونی جهت تهیه آرد در آن قرار داشت (تصویرهای شماره ۲ و ۳) در هر جانب مدخل اطاقهایی ترتیب داده‌اند و در هر سمت حیاط هم دو اطاق تعبیه شده است و در یک مورد وسط یکی از اطاقها تیغه کشیده‌اند در انتهای حیاط اطاقی واقع است که سقف آنرا بوسیله طاق ضربی احداث کرده اند.

خانه s

خانه s کوچکترین خانه از پنج خانه مورد بحث، بصورت مربع بوده اندازه هر ضلع آن ۱۴٫۵ متر است. این خانه قدمت زیاد دارد و چهار مرحله ساختمانی بر آن گذشته است. تمام آثار مرحله چهارم و برخی قسمتها از مراحل ۱ تا ۳ را آشکار کردیم در اولین مرحله دارای ورودیه منفردی در سمت شرقی بود که بوسیله یک راهرو به حیاط مرکزی راه میافت. اطراف حیاط هفت اطاق و یک دهلیز قرار دارد که احتمالا از دهلیز نامبرده

برای انبار استفاده میشده است . (طرح شماره ۳) .

خانه E

مستطیل شکل ، بابعاد ۲۷×۱۲ مترو دارای دو ورودیه است: یکی از آنها در جبهه اصلی خانه واقع شده از سمت خیابان بوسیله آن بدرون خانه می رفتند، دیگری ورودیه سمت عقب خانه و در طرف جنوب آنست - سه طرف حیاط اطاق ساخته اند و درون یکی از اطاقها چاهی احداث کرده اند همانند خانه N در حیاط خانه يك هاون سنگی وجود دارد و نیز دارای شالوده هائی بجهت ستونهاست که در سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ خورشیدی) بدست آمده و دال بر آنست که جانب شرقی خانه زمانی مسقف بوده است . (تصویر شماره ۴) .

خانه W

وسیع ترین و جالبترین خانه هاست . حداکثر ارتفاع دیوارهای باقیمانده آن به ۸ متر میرسد اندازه آن ۲۷×۱۸ متر، دارای دو مدخل و ۱۲ اطاق در طبقه هم کف است . مدخل اصلی دارای دالان جالبی است که سه پایه چهار ضلعی در جوانب آن قرار دارد و پایه دیگر نیز در انتهای داخلی راهرو ملاحظه میشود . حیاط خانه مشتمل بر چرخها و چند رشته پلکان و بقایای يك سرسرا است که از آن به اشکوب بالای خانه می رفته اند مجاورت گوشه شمال غربی خانه مسجدی واقع شده است - بنای مسجد در آغاز امر شامل شبستان چهار گوشه به پهنای پنج متر و نیم بوده که محراب آنرا در دل دیوار ترتیب داده بودند عمق محراب ۶۵ ر۰ متر است نمای بنا بصورت دودخانه است که بوسیله يك جرزا از یکدیگر جدا میشود در سمت شمال مسجد جایگاه وضو گرفتن قرار گرفته که مشتمل بر محوطه گودی بود و بوسیله يك رشته پلکان به آن می رفته اند ، بعدها هنگامیکه مسجد توسعه یافت محل وضو خانه را پر کردند و اطاق كوچك مستطیل شکلی

جایگزین آن گردید .

خانه R

این خانه بصورت ساختمان بزرگی با نقشه غیر منظم است که از دو مرحله ساختمانی حکایت میکند و آنرا بر روی آثار قدیمی تری بنا کرده اند در هر دو مرحله دیواره نازکی خانه را بدو بخش کوچکتر تقسیم میکرد و هر یک از دو بخش دارای یک حیاط و مدخلی از جانب خیابان بود. بخش کوچکتر (قسمت شرقی) فقط چهار اطاق در طبقه هم کف داشت لیکن بخش غربی حداقل دارای ۷ اطاق و یک مدخل جانبی مشرف بیکی از کوچه ها بود حفاری در پائین کف خانه R نشان میدهد که ساختمان قدیمی تر دارای حیاط منفردی بوده و بوسیله راهروئی به درازای نزدیک به ده متر به آن می رسیده اند . حیاط دارای چندین پایه ستون است که برای پوشش ایوان یا سقف بکار میرفته است (طرح شماره ۴) .

بطور کلی نکات متعددی در خصوص معماری محلی سیراف جلوه گر شد: اول اینکه گرچه دیوارهای بیرونی در بعضی موارد تا ارتفاع ۵ متر برجا مانده است لیکن فقط یک پنجره واقعی و یک پنجره احتمالی یافتیم، شاید بدین علت که در یک شهر گرم و پر جمعیت وجود پنجره ها در طبقه هم کف غیر ضروری بوده و نور لازم از طریق درگاههای مشرف به حیاط به اطاقها میرسید. دوم اینکه، خانه W تنها بنائی نیست که آثاری دال بر وجود یک طبقه فوقانی را می نمایاند، بلکه در میان سنگ و خاکهای خانه R هم قطعاتی از یک دیوار به ارتفاع تقریبی ۶ متر وجود داشته است، در خانه N نیز دیوار فرو ریخته ای را یافتیم که با نقشه طبقه هم کف مناسبتی ندارد .

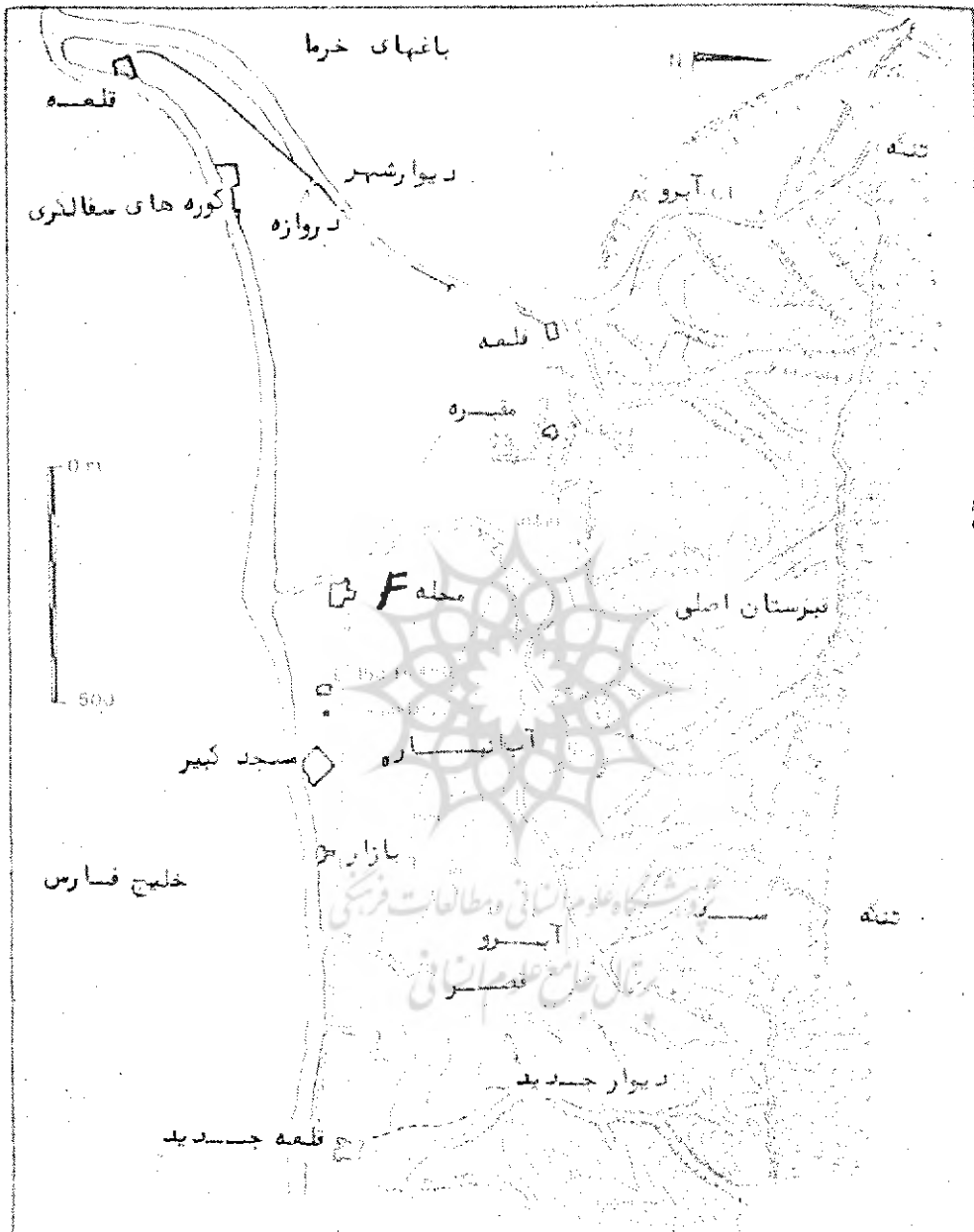
سوم اینکه در هر خانه قطعات گچ بری تزئینی فراوانی بدست آورده اند و در عین حال فقط یک قطعه از آنها در محل اصلی قرار داشت تکه های متعددی از اینگونه گچ بری ها را در میان خاک و سنگهایی

که درون خانه‌ها انباشته شده بود بدست آوردیم و در نتیجه چنین می‌اندیشم که بسیاری از آنها (نه همه آنها) زینت بخش اطاقهائی بوده است که گچ‌بریها را از درون آنها پیدا کرده‌اند گچ‌بریهای قالبی اغلب مشتمل بر اشکال ستاره و گل‌های محصور در قطعات چندگوش و تزئینات برجسته بوده با وجود این قطعات گچ‌بری با تزئینات کنده‌کاری نیز وجود داشته .

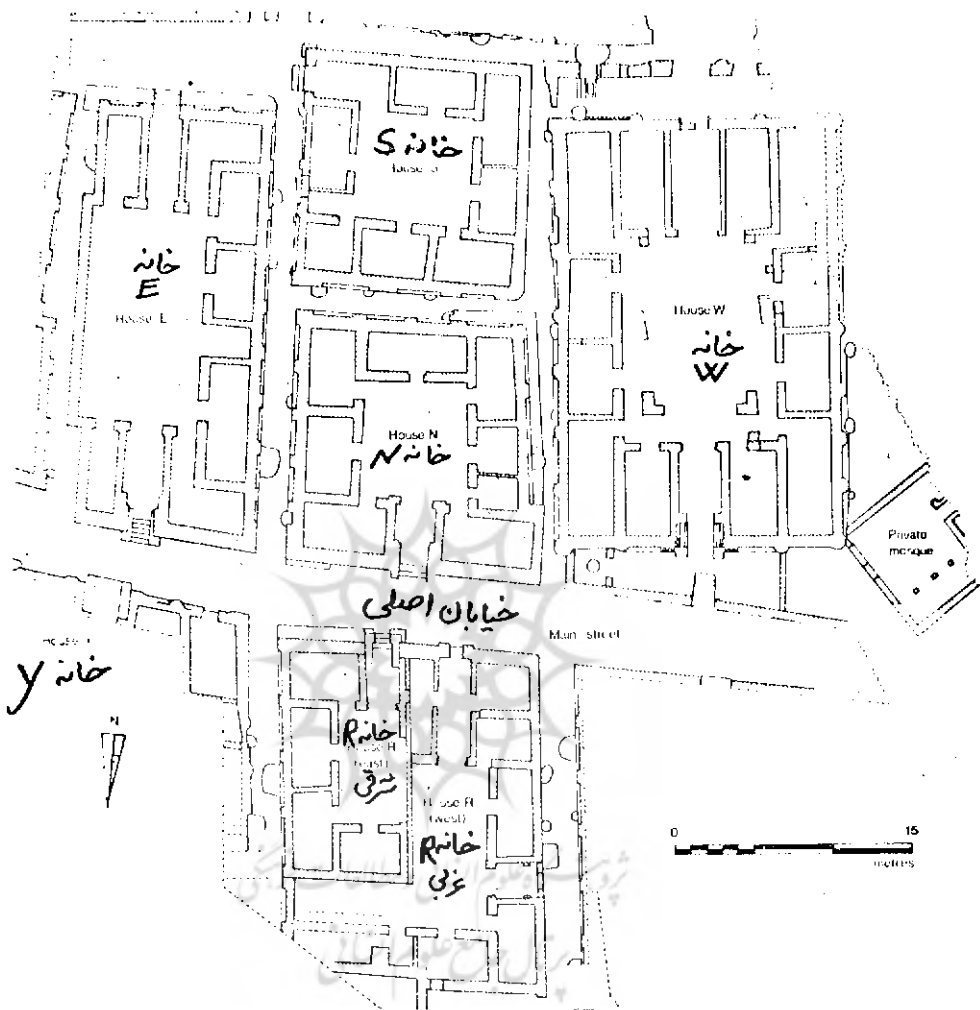
خانه‌های منطقه F وسیع و دارای تزئینات باشکوهی بود گرچه بقدر کافی تجهیزات لازم در آنها وجود نداشت. محله فاقد مجراهای آبرسانی و فقط دو خانه یعنی خانه‌های E و W دارای چاه بود. ساکنین خانه‌های N و R ناچار بودند که آب مورد لزوم را از خانه‌های مجاور یا نزدیکترین چاه یا آب انبار عمومی، مانند مخزن آب نزدیک مسجد کبیر، تهیه نمایند همچنین محله مزبور فاقد مجموعه مجاری فاضل آب بود. آب باران و آب هرز منازل به گودال‌های موجود در کوچه‌های باریک می‌ریخت. گودال‌ها با سنگ پوشانده میشد و متصل به مجراهایی بود که آب باران از سقف‌ها و فاضل آب از طبقات فوقانی بداخل آنها فرو می‌ریخت .

هیچیک از خانه‌ها در طبقه هم‌کف دارای دست‌شوئی نبود و احتمالاً دست‌شوئی و اینگونه نیازمندیها در اشکوب دوم قرار داشت، این استنباط و نتیجه‌گیری بواسطه وجود لکه‌هایی زرد رنگ در بعضی لوله‌ها تائید می‌گردد .

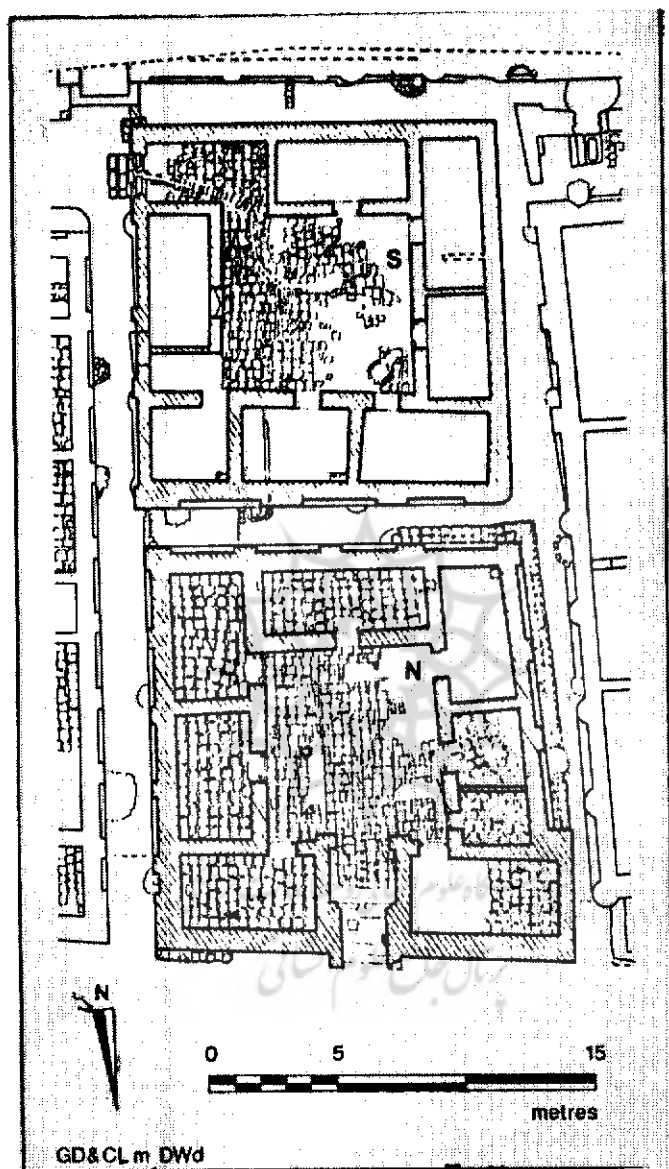
محله مزبور این تصور را در مامی‌انگیزد که در آنجا خانواده‌های ثروتمندی در محیطی باشکوه و در عین حال پر جمعیت زندگی میکردند، خانه‌ها دارای گچ‌بریهای زیبا ولی آبراهه‌هایی اندک و غیر کافی بود، ثروت این خانواده‌ها منوط و نتیجه ثروت سیراف بوده که یک شهر تجارتهی بحساب می‌آمده است .



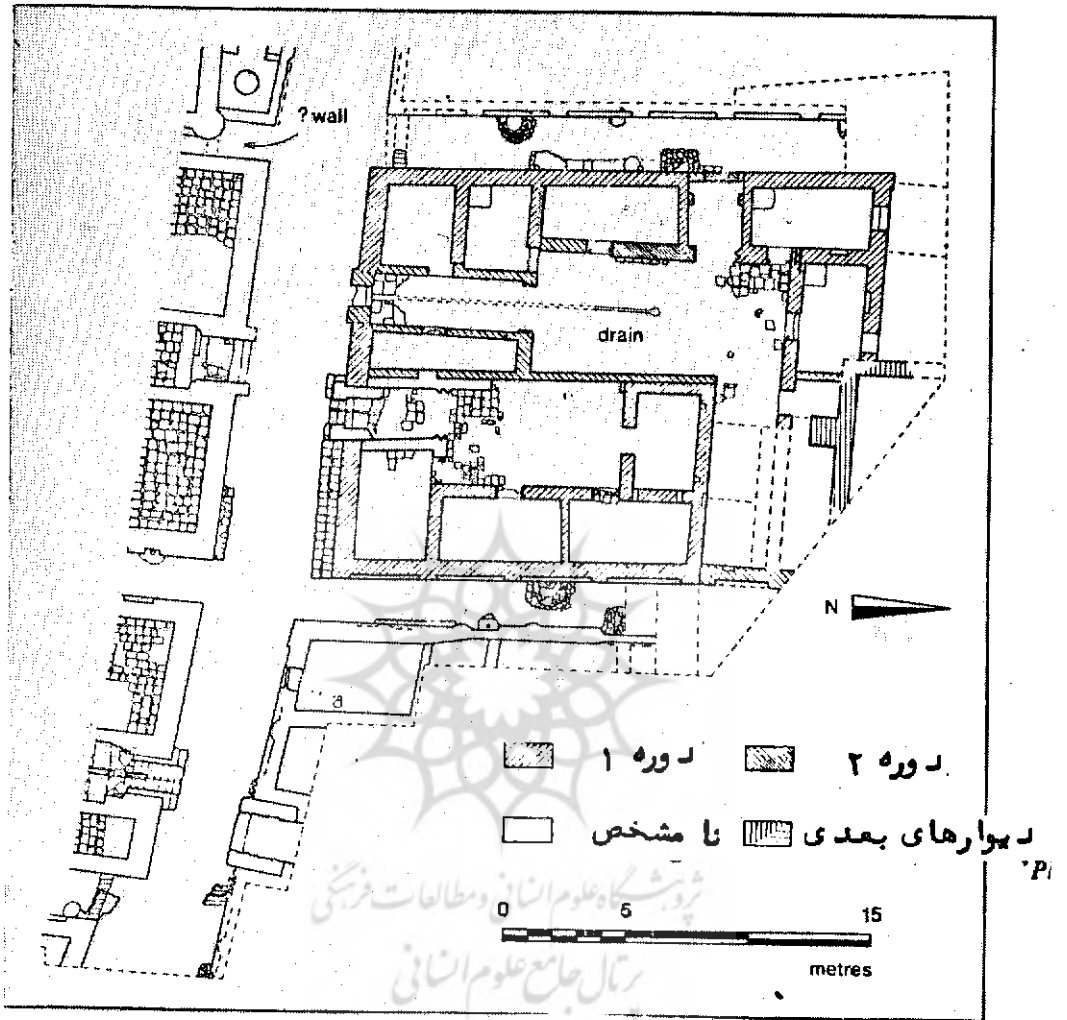
طرح شماره ۱ : نقشه ساده سیراف که موقعیت محله مسکونی F را نشان میدهد



طرح شماره ۲ - نقشه کلی محله F قبل از ویرانی حدود ۱۰۰۰ میلادی
 (اواخر قرن چهارم هجری)



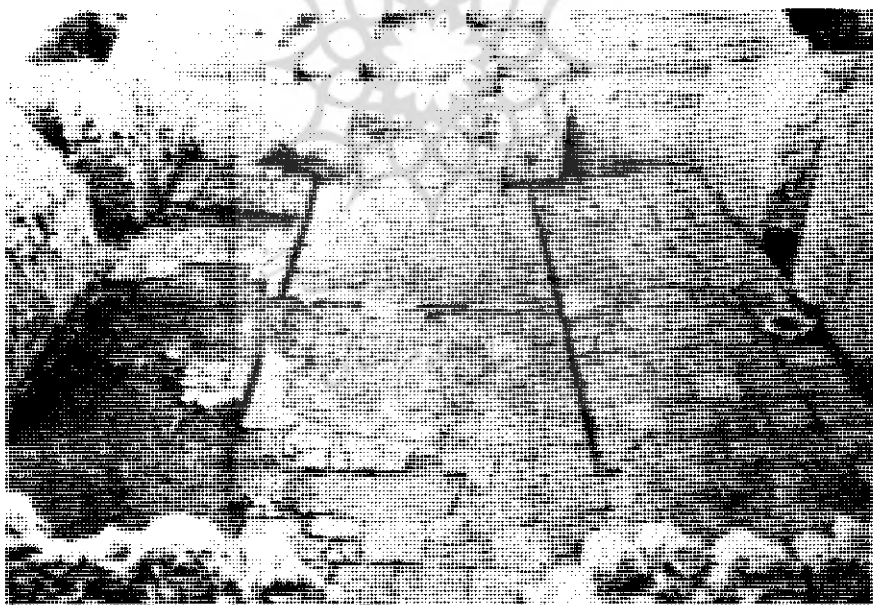
طرح شماره ۳ - نقشه خانه های S و N ، این نقشه مرحله چهارم معماری خانه S را نشان میدهد



طرح شماره ۴ - نقشه خانه R



تصویر شماره ۱ - منظره عمومی محله مسکونی 'I'، خیابان اصلی، کوچه ها و خانه های W و N و R



تصویر شماره ۲ - حیاط خانه ۱ - در سمت راست بر کف حیاط هاون سنگی دیده میشود

دو سید نفیس از زنده



محمد مشیری



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی